

### تکرار تجربه تکیه به غرب

مشارحه تند دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا و جی دی ونس، معاونش با ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین که همان آنها بود، در برابر دوربین های خبرنگاران، سوزه رسانه ها شد و ترامپ و معاونش او را در کاخ سفید تحقیر کردند. باید گفت شرایط به خوبی نشان دهنده تغییر رویکرد آمریکا در قبال اوکراین و اروپاست. در سال ۲۰۱۴، زلنسکی با حمایت مستقیم آمریکا در پروژه کودتای رنگی به کاخ ریاست جمهوری راه یافت. این اقدام باعث تشدید تنش ها در شرق اوکراین شد. تا ۲۰۲۲، روسیه بارها تلاش کرد تا از طریق مذاکره مسائل بین دو طرف را حل کند و به مقامات غربی نیز هشدار داد تا نگرانی های امنیتی روسیه ازجمله عدم پییشروی پیمان آتلانتیک شمالی را در نظر داشته باشند اما سرانجام کاسه صبر مسکو لبریز شد و همان سال روسیه به اوکراین حمله کرد. آمریکا در طول جنگ اوکراین حدود ۱۰۰ میلیارد دلار کمک نظامی به این کشور ارائه کرد. این کمک ها عمدتاً به شرکت های تسلیحاتی آمریکایی تعلق گرفت و نه به خود اوکراین. با روی کار آمدن ترامپ، این رقم به ۳۵۰ میلیارد دلار افزایش یافت. ترامپ اعلام کرد که اوکراین باید نیمی از منابع طبیعی خود ازجمله معادن، نفت، گاز و بنادر دریای سیاه را به آمریکا واگذار کرده تا بدهی های خود را تسویه کند. اما پس از دیدار پرالتهاب زلنسکی و ترامپ در کاخ سفید، تحقیر زلنسکی از سوی اربابان آمریکایی در قلاب دوربین رسانه ها به تصویر کشیده شد. بسیاری از این تحلیلگران بر این باورند این که ترامپ اصرار داشت زلنسکی قرارداد واگذاری منابع طبیعی اوکراین را در واشنگتن امضا کند، در حالی که این کار می توانست از راه دور نیز انجام شود و این مساله به منظور نمایش همین تحقیر بود. البته درخواست ترامپ با واکنش های منفی زیادی مواجه شد، چرا که ارزش منابع طبیعی اوکراین حدود ۱۱ تریلیون دلار تخمین زده می شود و واگذاری نیمی از آن به آمریکا، عملاً اوکراین را به کشوری وابسته تبدیل می کرد. از سوی دیگر تلاش ترامپ برای تحت فشار قرار دادن اوکراین و تحمیل خواسته هایش، نشان دهنده تغییر رویکرد آمریکا و افول قدرت جهانی این کشور است. ترامپ به جای تقویت هم پیمانان، به دنبال استراخ منابع آنها برای جبران هزینه های گذشته است. همچنین این تحولات می تواند به بی ثباتی بیشتر در اوکراین و اروپا منجر شود و کاهش اعتماد کشورها به آمریکا و تضعیف جایگاه این کشور در نظام بین المللی منجر شود. تحولات اخیر در روابط آمریکا و اوکراین نشان دهنده تغییر رویکرد آمریکا به سمت استثمار منابع دیگر کشورها برای جبران هزینه های گذشته است. اعتماد اوکراین به آمریکا امروز تجربه ای در برابر جریان غربگراست که نشان می دهد هرکس به آمریکا اعتماد کند، سبلی خواهد خورد.

### انحلال پکک به امید پاداش

موضوع کردها از منظر مسائل منطقه ای از نکات خیلی مهم و مشترک بین چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه است. در این میان، از چهار کشوری که موضوع کردها برای شان اهمیت دارد، ترکیه و عراق بیشتر از همه درگیر موضوع هستند، به این معنا که اختلاف دارند، دغدغه دارند و سوابق نزاع، درگیری و چالش ها نشان می دهد در این دو کشور، موضوع کردها بیشتر از همه مورد توجه بوده است. در حال حاضر که اوجالان درخواست پایان جنگ و به نوعی صلح خواهی کرده، به نظر می رسد با توجه به این که در زندان به سر می برد، این درخواست از طرف حکومت ترکیه صورت گرفته شده و به نوعی شاید در باغ سبزی را نشان دادند تا بتوانند موضوع را مدیریت کنند. به این دلیل که ترک ها از این موضوع می ترسند که با توجه به این که کردهای سوریه تحولات اخیر و همچنین پیوندهایی که با نیروهای خارجی و بازیگران بین المللی دارند، جان تازه ای گرفته و تلاش می کنند در منطقه حسکه، یعنی شمال سوریه، بتوانند استقرار مناسب تری پیدا کنند و به نوعی حتی شاید مدل عراق را هم بتوانند برای خود مختار ی طلب کنند. این موضوع نگرانی انکارا در دربی داشته و تلاش می کنند به هر صورتی شده، راهی برای کاهش آسیب ها یا فشارهای روانی و فشارهای نظامی کردها پیدا کنند. از طرف دیگر، ترک ها تلاش می کنند پیوند بین کردهای سوریه و ترکیه را قطع کنند تا اکراد نتوانند اصلا حاً به نیرویی بزرگ تبدیل شوند. در شرایط فعلی، اردوغان و تیمش به اوجالان برای اعلام آتش بس و صلح خواهی، وعده داده اند. نکته دیگر نگرانی، ترکیه از پیوند بین کردهای سوریه و ترکیه است که می توانند نیروی قابل توجه و فشار مضاعفی وارد کنند. لذا به دنبال این هستند که یک راه میانه پیدا کنند تا هم پیشنهاد صلح شود و هم این که این پیوند بین کردهای دو طرف (ترکیه و سوریه) صورت نگیرد که آنکارا بتواند راحت تر با کردهای سوریه مقابله کرده و آنها را مدیریت کند. به هر صورت، به نظر من با توجه به این که اوجالان چند مدتی در زندان بوده و در عین حال با توجه به سوابق مبارزاتی که داشته، دوران زندان برایش سخت بوده امتیازی برای آزادی، فعالیتی یا عرض اندام در عرصه سیاسی به او وعده داده اند تا جایی که حتی حاضر شده فعالیت سیاسی خودش را نقطه پایان بگذارد و در حقیقت فعالیت مبارزاتی کردها را تمام شده تلقی کند.

#### خبر

#### مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا:

### غرب به یک رهبر جدید نیاز دارد

کایا کالاس، مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا در شبکه های اجتماعی نوشت: اوکراین اروپاست! ما در کنار اوکراین ایستاده ایم. ما حمایت خود را از اوکراین افزایش خواهیم داد تا آنها بتوانند به مقابله با متجاوز ادامه دهند. امروز، روشن شد که جهان آزاد (درواقع دنیای غرب) به یک رهبر جدید نیاز دارد. به عهده ما اروپایی هاست که با این چالش مواجه شویم. دیدار روز جمعه دونالد ترامپ،

رئیس جمهور آمریکا با ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در کاخ سفید به تنش کشیده شد؛ ترامپ زلنسکی را متهم کرد که بی پروا امنیت جهانی را با امتناع از مذاکره برای توافق صلح با روسیه به خطر می اندازد و هشدار داد که او با جنگ جهانی سوم و جان میلیون ها نفر قمار می کند. او موضوع اوکراین در جنگ را رد و استدلال کرد که زلنسکی «کارتی» برای تعیین نحوه تعامل

# دیوار اعتماد آمریکا و اروپا ترک خورد

#### شکافی بر هفت دهه همکاری راهبردی



در روز جمعه، از معدود نمادهای دیپلماسی عمومی آمریکا با همکاری دونالد ترامپ و جی. دی ونس در مقابل چشمان بهت زده خبرنگاران فرو ریخت. ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین که با پشتیبانی و حمایت قدرت های غربی به رهبری واشنگتن به جنگ باقوای روسی ادامه می دهد، بر اثر فشارهای دولت جدید آمریکا جهت واگذاری معادن راهبردی کشور خود به واشنگتن سفر کرد.

چهل وهفتمین رئیس جمهور آمریکا، تحقیر زلنسکی را از دم درب ورودی کاخ سفید آغاز کرد و هر چند که دیدار به درازا کشید، کنایه ها و حملات لفظی سرکرده جنبش راست پوپولیست افراطی آمریکا در مقام فرد طلبکار، دائمی یک ربه دلیل تحریک روس ها مورد نکوهش قرار داد.

به نقل از رسانه های غربی، هیأت دیپلماتیک اوکراینی این احتمال را می دهند که ترامپ با تهاجم لفظی به زلنسکی نقشه تحقیر رئیس جمهور اوکراین را در برابر دیدگان مردم آمریکا در دستور کار داشته است. یار کمکی ترامپ، معاون او سخت ترین حملات را به زلنسکی وارد کرد و به اعتقاد برخی از ناظران عامل اصلی التهاب جلسه بوده است.

نشریه فارین پالیسی در گزارشی مدعی شد که رئیس جمهور آمریکا از سال ۲۰۱۵ در برابر رسانه ها دائماً به دنبال جلب توجه است. استراتژی او ایجاد شوک در سطح وسیع ارزیابی می شود و بحث آزاد مقابل دوربین ها، دال مرکزی نمایش روزانه ترامپ با هدف نمایش اقتدار شخصی بر رهبران جهانی تلقی می شود. در آن سوی آتلانتیک، اروپایی ها که اکنون خود را بدون رهبری می بینند، شروع به ارسال پیام های همبستگی به زلنسکی خجل کردند. دازنده بزرگترین زراد خانه اروپا، امنوتل مکرون، رئیس جمهور فرانسه خطاب به خبرنگاران گفت: « همه ما درست عمل کردیم که سه سال پیش به اوکراین کمک کردیم و روسیه را تحریم کردیم، و باید به این کار ادامه دهیم.» ضربات متعدد رئیس جمهور آمریکا بر روابط تاریخی فرآتلانتیک، نوید عصر جدیدی را می دهد که در آن نهادگرایی، ناسیونالیزم چند جانبه گرایی جای خود را به مردان قد رمتند، ناسیونالیسم و مرکانتیلیسم اقتصادی خواهد داد که اتحاد های دائمی را به محاق خواهند برد.

#### هشدار تاریخی دوگل

در سال ۱۹۵۶، هنگامی که دوايت آیزنهاور، رئیس جمهور آمریکا، به طور جدی بریتانیا و فرانسه را مجبور کرد تا از مداخله نظامی برای باز پس گیری کنترل کانال سوئز از مصر عقب نشینی کنند، بی اعتمادی فرانسه به آمریکا کم کم شروع به جوشیدن کرد. هر چند آیزنهاور در سال ۱۹۴۴ نقش مهمی در آزاد سازی فرانسه

از دست نازی ها داشت اما در جریان بحران سوئز، او پشت سر کشورهای اروپایی با سازمان ملل متحد همکاری کرد تا آتش بسی تحمیل شود و این اقدام باعث شد پاریس احساس تحقیر و خیانت کند. تقریباً ۲۰ سال بعد، مانوآر آیزنهاور در بحران سوئز به طور جدایی ناپذیری با تلاش های طولانی مدت و تاکنون ناموفق امانوتل مکرون، رئیس جمهور فعلی فرانسه، برای کاهش وابستگی اروپا به حمایت نظامی آمریکا گره خورده است. حمایتی که از پایان جنگ جهانی دوم، امنیت قاره اروپا را تضمین کرده است. در همین راستا یانیک پینسه، مورخ مرکز میان رشته ای مسائل استراتژیک در اکول نرمال سربوریر پاریس اضافه می کند: «رهبران جمهوری چهارم فرانسه به این نتیجه رسیدند که نمی توان به آمریکایی ها اعتماد کرد و تصمیم گرفتند بازاردنگی هسته ای مستقل فرانسه را توسعه دهند؛» پینسه افزود: «این تجربه ای تاریخی برای نخبگان فرانسوی بود که متوجه شدند متحدانشان ممکن است آنها را رها کنند.» مفهوم کلیدی مکرون درباره «استقلال استراتژیک» – سرمایه گذاری در یک سیستم دفاعی اروپایی معتبر و خود کفا به طوری که قاره اروپا بتواند بدون وابستگی به آمریکا از خود محافظت کند – اکنون در کانون توجه قرار گرفته است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنجالی آمریکا، به شدت رابطه فرآتلانتیک و اتحاد نظامی ناتو را تضعیف کرده و در عین حال به روسیه نزدیک شده است.

با گذشت پرحاشیه ترامپ را می توان تأییدی بر هشدارهای دیرینه فرانسه – که به زوال افسانه ای شارل دوگل بازمی گردد – اشاره کرد. «رهبران جمهوری چهارم فرانسه به این نتیجه رسیدند که نمی توان به آمریکایی ها اعتماد کرد و تصمیم گرفتند بازاردنگی هسته ای مستقل فرانسه را توسعه دهند؛» پینسه افزود: «این تجربه ای تاریخی برای نخبگان فرانسوی بود که متوجه شدند متحدانشان ممکن است آنها را رها کنند.» مفهوم کلیدی مکرون درباره «استقلال استراتژیک» – سرمایه گذاری در یک سیستم دفاعی اروپایی معتبر و خود کفا به طوری که قاره اروپا بتواند بدون وابستگی به آمریکا از خود محافظت کند – اکنون در کانون توجه قرار گرفته است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنجالی آمریکا، به شدت رابطه فرآتلانتیک و اتحاد نظامی ناتو را تضعیف کرده و در عین حال به روسیه نزدیک شده است. با گذشت پرحاشیه ترامپ را می توان تأییدی بر هشدارهای دیرینه فرانسه – که به زوال افسانه ای شارل دوگل بازمی گردد –

## سایه چماق تعرفه ای ترامپ بر سر اتحادیه اروپا

**دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده که ۲۵ درصد تعرفه بر واردات از اتحادیه اروپا اعمال می کند**



نمی داند اتحادیه اروپا چیست اما از آن متنفر است. کارل بیلت، نخست وزیر سوئد از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ گفت که ترامپ دیدگاه بسیار تحریف شده ای از تاریخ اتحادیه اروپا دارد و در حقیقت، اتحادیه اروپا برای جلوگیری از جنگ در قاره اروپا تأسیس شده بود. دونالد توسک، نخست وزیر لهستان گفت که اتحادیه اروپا باید تمام تلاش خود را برای اجتناب از جنگ های تعرفه ای کاملاً غیر ضروری و احمقانه انجام دهد. حمله تجاری جدید ترامپ در حالی صورت می گیرد که تنش ها بین واشنگتن و بروکسل بر سر رویکرد «اول آمریکا» ی دولت ترامپ در امور بین الملل افزایش یافته است. علاوه بر تحریک تنش های تجاری، ترامپ نگرانی هایی را در مورد تعهدش به امنیت اروپا و آینده سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ارتباطش با رئیس جمهور روسیه و حملات لفظی به رئیس جمهور اوکراین ایجاد کرده است. با وعده ترامپ برای پایان دادن سریع به جنگ در اوکراین، مقامات در کی یف و بروکسل از این که رئیس جمهور آمریکا تمایل دارد توافق صلحی را به امضا برساند که به شدت

واشنگتن با مسکو ندارد. ترامپ اصرار داشت که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه مایل به مذاکره است و این اولتیماتوم را صادر کرد؛ یا اوکراین توافق می کند یا آمریکا حمایت خود را پس می گیرد و اوکراین را وامی گذارد که خودش «با آن مبارزه کند». پس از ماجرای اخیر کاخ سفید، معاون اول رئیس جمهور آمریکا دیروز از قطع کمک های نظامی کشورش به اوکراین خبر داد.

#### برش

### اروپا؛ آخرین پناهگاه زلنسکی

اخراج رئیس جمهور اوکراین از کاخ سفید در اروپا با حمایت عموم قدرت های این قاره از زلنسکی همراه بود؛ جدا از پاریس، نخست وزیر لهستان، دونالد تاسک، پیامی به زلنسکی ارسال کرد و تأکید کرد: «دوستان عزیز اوکراینی، شما تنها نیستید.» دفتر نخست وزیر سوئد نیز گفت: «شما نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای تمام اروپا می جنگید.» جمهوری چک، اسپانیا، لتونی و لیتوانی نیز پیام های مشابهی در حمایت از اوکراین ارسال کردند. جورجیا ملونی، رهبر راست گرای ایتالیا و متحد نزدیک ترامپ، از اروپایی ها خواست تا اجازه ندهند اختلافات عمیقی با واشنگتن ایجاد شود و گفت که رم در ساعت های آینده خواستار برگزاری نشست اتحادیه اروپا و آمریکا خواهد شد تا دیپلماسی را به مسیر اصلی خود بازگرداند. در حال حاضر، برخی از رهبران اروپایی روز یکشنبه به دعوت کی یر استارمر، نخست وزیر بریتانیا، در لندن با یکدیگر دیدار خواهند کرد. زلنسکی نیز قرار است به آنها بپیوندد. یک سخنگوی استارمر گفت که او شب جمعه با زلنسکی و ترامپ صحبت کرده است. این سخنگو گفت که استارمر «حمایت بی چون و چرا از اوکراین را حفظ کرده است.»

حال شکل گیری بود، به تصویر کشید، حتی در زمانی که نظم بین المللی لیبرال به سرکردگی آمریکا در حال شکل گیری و رشد بود. ترامپ فقط بر موج جهانی سوار نبود. دیدگاه او در خصوص نقش واشنگتن در جهان از روحیات خاص آمریکایی نشأت می گرفت، اگرچه با شدت وحدتی کمتر از دوران جنبش اصلی «اول، آمریکا» که در دهه ۱۹۳۰ به اوج خود رسید. برای مدتی، به نظر می رسید که شکست ترامپ از جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ نشانه ای از بازگشت به وضعیت قبلی باشد. آمریکا در حال بازگشت به موضع پس از جنگ سرد خود بود، آماده برای تقویت نظم لیبرال و مهار موج پوپولیستی. با این حال، در پی بازگشت جنجالی ترامپ، اکنون به نظر می رسد که بایدن، و نه ترامپ، نمایانگر یک انحراف بود. ترامپ و تعریبون های مشابه ملی گرایی بزرگ اکنون در حال تعیین دستور کار جهانی هستند. آنها خود را به عنوان مردان قوی معرفی می کنند که به سیستم های مبتنی بر قوانین، اتحاد ها یا نشست های چند ملیتی اهمیت کمی می دهند. آنها بر شکوه گذشته و آینده کشورهای حاکم انگشت می گذارند و مدعی یک مأموریت تقریباً عرفانی برای حکومت خود می شوند. اگرچه برنامه های آنها می تواند شامل تغییرات رادیکال باشد، استراتژی های سیاسی آنها بر جریان های محافظه کاری تکیه دارد و به جای نخبگان لیبرال، شهری و جهان وطن، به حوزه هایی که با اشتیاق به سنت و تمایل به تعلق تحریک می شوند، متوسل می شوند.

و چپ های نیمه هادی ظرف چند هفته آینده تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. طبق گزارش بلومبرگ، تعرفه های ترامپ می تواند تا ۲۹/۳ میلیارد دلار (۲۸ میلیارد یورو) از صادرات اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار دهد. اتحادیه اروپا قول داده که فوراً در صورت اعمال تعرفه های آمریکا بر صادرات کشورها عضو خود، واکنش نشان دهد. بسیاری از اقتصاد دانان و حتی نشریات محافظه کار، از جمله وال استریت ژورنال، هشدار داده اند که برنامه های ترامپ ممکن است به اقتصاد آمریکا آسیب بزند. ترامپ اما در شبکه اجتماعی خود به مقاله ای از وال استریت ژورنال حمله کرد که استدلال می کرد، تعرفه های او بر کانادا و مکزیک به ضرر اقتصاد آمریکا خواهد بود. ترامپ با اشاره به این استدلال که گزارش وال استریت ژورنال کاملاً اشتباه است، نوشت: «این تعرفه ها مقادیر عظیمی از تولید خودرو را به میشیگان منتقل خواهد کرد، ایالتی که من به راحتی در انتخابات ریاست جمهوری آن را بردم.» تمرکز ترامپ بر تعرفه ها عجیب است، زیرا چنین عوارضی تنها حدود ۲ درصد از درآمدهای فدرال آمریکا را تشکیل می دهد که تقریباً با میانگین سایر اقتصادهای پردرآمد برابری می کند. میانگین تعرفه ها هم در محدوده مشابهی قرار دارد، به طوری که نرخ وزنی تعرفه های تجاری آمریکا ۲/۲ درصد است، که تفاوت چندانی با ۱/۹ درصد ژاپن و ۲/۷ درصد اتحادیه اروپا ندارد. اقتصاد دانان معمولاً اختلاف نظر دارند اما حداقل بر سر یک موضوع توافق دارند؛ این که در اقتصادهای توسعه یافته، تعرفه ها – مالیاتی که شرکت ها و مصرف کنندگان داخلی واردات پرداخت می کنند – اغلب ایده خوبی نیست، فراتر از مسائل اقتصادی، واضح است که اروپایی ها ممکن است بر سر شکل تعرفه های تلافی جویانه درگیر منازعات سیاسی شدید شوند. بسیاری از اقتصاد های اتحادیه اروپا به نوعی روابط تجاری عمیقی با آمریکا دارند. برخی از آنها (مانند اتریش، فنلاند، آلمان، ایرلند، ایتالیا و پرتغال) بیش از ۲۰ درصد از صادرات خارج از اتحادیه را به آمریکا ارسال می کنند، که نشان می دهد تمایل آنها برای به خطر انداختن یک جنگ تجاری غیر قابل پیش بینی، ممکن است پایین باشد.